

متن پرسش

با سلام استاد عزیزک در عالم و جهانی که زندگی می کنیم و مظاهر اسما الهی، اگر در حضور باشیم، همه چیز ماییم و ما همه چیزیم، در عین بی شکلی. در حضور فقط احساس داشتن و عشق می کنیم، این جنس ملکوت و آسمان است. حال در عالم ماده و طبق حرکت جوهری و اینکه عالم ماده چیز خاصی نیست، آیا می توانیم بگوییم که حالات روحی انسان از غضب و ترس و... همان نیستی و حاصل نزدیک شدن ملکوت انسان به نیستی است؟ اگر اینطور است، استاد خیلی دوست داشتم نماز و روزه و اعمال و زندگی صبح تا شب کمک کند تا بتوانم بیشتر باشم هرچند الحمدلله در بعضی زمینه ها پیشرفت خوبی داشتم، اما با بروز مشکلی در زندگی اخیرا مشکلی را در درون خودم یافتم که به یکباره فهمیدم نیستم. استاد عزیز در سر نمازتون التماس دعا داشتم. ممنون میشم دعا کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده دعا می کنم. آری! باید به حضوری نظر داشت که در عین نظر به حضور بیکرانه حضرت حق، خود را عین ربط و فقرِ اِلی الله بدانیم. هزینه کردن زندگی در مقابل ظلم، برآمده از روح های بزرگی است که در مکتب انبیاء الهی پرورش یافته اند. آنان را نیروهای نورانی و معنوی از هرگونه محافظه کاری باز می دارد. از خود گذشتگی ها زیر سایه باوری متعالی، یک فرصت است که خداوند برای یک ملت پیش می آورد. مانند یک رود که با خروش خود کرانه های خود را در می نوردد و مانند پروانه که ادامه خود را در دل شعله شمع جستجو می کند تا شعله شمع برافروخته تر گردد. موفق باشید